

آموزش تفکر در قرآن کریم

بخش دوم

مهدي مروحي
فاطمه رمضانى
فريده عصاره



بخش نخست مقاله، «نگاهی به آموزش تفکر در قرآن کریم» را در شماره‌ی قبل ملاحظه کردید. این مقاله از مجموعه تولیدات کمیته‌ی رویکرد فرهنگی - تربیتی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی است. مجموعه‌ی حاضر بخش پایانی مقاله‌ی شماره‌ی قبل به شمار می‌رود. امید است مورد استفاده‌ی شما قرار گیرد.

نظری و عملی اشاره کرد. برای رسیدن به قرب الهی که غایت اهداف تربیتی است، علم کافی نیست، بلکه ایمان (منزل دوم) به همراهی عمل، به‌عنوان سومین منزل از منازل یا اهداف واسطه‌ای، باید شناخت انسان را یاری کنند. از آن‌جا که در این حوزه، بحث ارزش‌ها مطرح است، برای شفافیت موضوع به یکی از مطالب بسیار مهمی که در حوزه‌ی تفکر شایسته است حتماً مراعات شود، وارد می‌شویم و آن «تولی و تبری» و یا «بایدها و نبایدها»ی این حوزه است. در آموزه‌های دینی ما، بهترین و مقدس‌ترین موضوع در حوزه‌ی تفکر، تفکر در تدبیر باری تعالی و در نظام جهان

حوزه‌های تفکر

در نظام تربیتی از دیدگاه آموزه‌های دینی ما، هدف غایی از تربیت، نزدیک شدن به خدای متعال یا «قرب منزلتی» است. برای رسیدن به این مقام و منزلت ارزشمند و والای انسانی، باید این منازل و مراحل را به‌عنوان اهداف واسطه‌ای طی کرد. «علم»، «ایمان» و «عمل»^۴. این سه منزلگاه، قرب به خدای متعال را در تربیت انسانی محقق می‌سازند. علم در یک تقسیم‌بندی، به دو موضوع «هست‌ها» و «نبیست‌ها» (شناخت حقیقی) و «بایدها و نبایدها» (شناخت اعتباری) تقسیم می‌شود. به این اعتبار می‌توان به دو حکمت



هستی است که انسان را به فطرت متصل نگه می‌دارد. جهان هستی، دریای بی‌کرانی است که شایستگی آن را دارد تا فکر انسان در آن به غور بپردازد و آیات فراوانی در قرآن مجید به این موضوع اشاره می‌کنند؛ هم‌چون: «ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار ... و یتفکرون فی خلق السموات و الارض.» (۱۹۰ - ۱۸۹ - ال عمران)

موضوع دیگر، تفکر در دین است که به‌عنوان برنامه‌ی زندگی در مجموعه‌ای واحد و نظام‌دار تنظیم و عرضه شده است. گرچه قوانین دین از طرف خدا هستند، ولی چون اجرای آن‌ها به انسان سپرده شده، شایسته است انسان به فلسفه‌ی آن‌ها بیندیشد و آگاهانه آن‌ها را به منصفی ظهور برساند؛ و گرنه بدون تفکر این دستورها برای انسان، حیات طیبه را به ارمغان نمی‌آورند. تفکر در امور اجتماعی و تاریخ، برای عبرت‌گیری و تفکر درباره‌ی خود، طبیعت، به‌عنوان مخلوق خدا و قوانین و رابطه‌ی بین پدیده‌ها، تاریخ و جغرافیا، ادبیات، ریاضی، فیزیک و شیمی، تجربه‌های دانش‌آموز در مدرسه و خارج از مدرسه، و هر آن‌چه زمینه‌های تفکر را فراهم می‌سازد، از موضوعات دیگری هستند که در حوزه‌ی تفکر نظری جای دارند.

تفکر و آموزش

چنان که ذکر شد در آموزه‌های دینی ما هدف از آموزش، زمینه‌سازی برای تحقق اهداف پیامبران الهی است که از آن به «قرب منزلت» یاد شده است و پیامبران الهی از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده کرده‌اند. به بعضی از ویژگی‌های این نوع آموزش در آیات متعددی از قرآن اشاره می‌شود:

الف) فراهم کردن زمینه‌های تزکیه

● «کما ارسلنا فیکم رسولا من انفسکم یتلوا علیکم آیاتنا و یرکبکم و یعلمکم الکتاب و الحکمه و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون» [بقره / ۱۵۱]: چنان که رسول گرامی خود را بر خلق فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت کند و نفوس شما را از پلیدی و آلودگی جهل و شرک پاک و منزّه گرداند و به شما تعلیم شریعت حکمت دهد و از او هر چه را نمی‌دانید بیاموزید.

خدا بر مؤمنان منت گذاشت که رسولی از خودشان را در میان آنان برانگیخت تا بر آن‌ها «آیات خدا را تلاوت کند و نفوسشان را از هر نقص و آلایش پاک گرداند و به آن‌ها احکام

شریعت و حقایق حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

ب) ملازمت داشتن با تفکر

گفتیم آموزش در نگاه قرآن در راستای تحقق اهداف پیامبران الهی می‌باشد و آموزش مد نظر ما هم آن آموزشی است که در مسیر رسیدن به اهداف این آیات؛ به فرموده حضرت علی(ع) عقول آدمیان را که در زیر خاک‌های جهل و بی‌خبری مدفون می‌باشند به فعلیت می‌رساند.

ج) روح علمی داشتن

این ویژگی‌ها موجب می‌شود که علم برآمده از اندیشه، موجب تولید، زایش و نوآوری آن شود. **شهید مطهری** در این مورد می‌فرماید: «اصل در علم و آموزش، زایش و نوآوری علمی است. اصلی‌ترین هدف مراکز علمی - آموزشی، پیشرفت و زایش علمی است و این پیشرفت فراهم نمی‌شود، مگر این‌که آن را از سطح شنیدن و حفظ کردن به اندیشه برساند.

داشتن روحیه‌ی علمی - یعنی روحیه‌ی نقد واقعی

وقتی ممکن است که فهم وجود داشته باشد. ابتدا

باید مطالب دیگران را فهمید و سپس آن‌ها را نقد

کرد و این همان چیزی است که خداوند در

قرآن کریم بدان بشارت می‌دهد: «بشارت

ده بندگان را، همان کسانی که سخن

را می‌شنوند و بهترین آن را پیروی

می‌کنند» [زمر / ۱۷].

د) نافع باشد

علم نافع چه علمی است؟ حضرت

علی(ع) به این سؤال در نامه‌ای که به

فرزندش امام حسن(ع) نوشته، چنین جواب

می‌دهند: «واعلم انک انما خلقت للاخره لا للدنیا»

[آیین خردپروری: ۲۰۳]. بدان که تو برای آخرت

آفریده شده‌ای، نه برای دنیا؛ نتیجه این‌که از

نظر علی(ع) بهترین علم آن علمی است که

آخرت انسان را اصلاح کند. البته بدیهی است که آخرت در گرو

اصلاح این دنیاست؛ چرا که: «الدنیا مزرعه الاخره»

«علم»، «ایمان» و

«عمل» این سه

منزلگاه، قرب

به خدای متعال را

در تربیت انسانی

محقق می‌سازند

آن چه که نباید در حوزهی تفکر به آن پرداخت، تفکر در ذات خداوند، و راه و روش معصیت است و همهی آن مواردی است که حکمت محسوب نمی‌شود

اما قرآن عزیز معین نکرده است که آن فکر صحیح و اقوم که بشر را به سوی آن دعوت و تشویق کرده، چگونه تفکری است، بلکه تشخیص آن را به عقل فطری بشر احاله نموده است.

توجه به این که بیش از ۳۰۰ مورد دربارهی تعقل، تفکر و تدبر در قرآن آمده است، می‌توان دریافت که این فکر صحیحی که قرآن ما را به آن دعوت، و تصدیق حق و باطل، و خیر و شر را به آن واگذار کرده، همان «تفکر فطری» است که در نهاد خود ما انسان‌هاست. قرآن عمده‌ترین معیار برای معرفت و علم را تقوا معرفی می‌کند، یعنی از نظر قرآن تقوا نه تنها شرط شهود عرفانی است بلکه در فهم عقل و معرفت برهانی هم موثر می‌باشد به قدری که ادراک صحیح مفاهیم ذهنی و دید حقایق عینی در پرتو تقوا تأمین می‌شود.

این اصل مهم را مفاد آیه‌ی ۲ سوره‌ی طلاق تأیید می‌فرماید: «و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث یراه یرزقه من حیث یراه لایحتسب». یعنی هر کس تقوا پیشه کند، خداوند روزی او را در آن کار می‌افزاید و از راهی که درک نمی‌شود، به او روزی می‌دهد. البته این روزی فقط در مسائل اقتصادی نیست، بلکه اگر تقوا را در تأملات نظری و علمی هم ملاحظه کنیم، گرفتار مشکل نمی‌شویم.^{۱۰} هم‌چنین است آیات دیگری که در آن‌ها، خداوند تقوا را در علم معتبر، و علم پسندیده را از

غیر اهل تقوا منع کرده است؛ مثل این آیات:

● «ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا» [انفال / ۲۹].

● «من یتق الله یجعل له مخرجا» [طلاق / ۲].

● «و ما یتذکر الامن ینیب» [غافر / ۱۳].

● «فاعرض عن من تولى عن ذکرنا و ...» [نجم / ۳۰].

این موضوع در روایات، از طرف معصومین (ع) هم اعلام

ه) سوق‌دهنده‌ی فراگیرندگان به سوی طرح پرسش در قرآن کریم بیش از ۵۰ آیه آمده است (به‌صورت ماضی، مضارع و امر) که در آن‌ها به پرسش‌های مردم پاسخ داده شده است. در احادیث هم سؤال یا پرسش جایگاه ویژه‌ای دارد. پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «العلم خزائن و مفاتیحه السؤال» [برنامه‌ی درسی و پرورشی تفکر: ۷۹]. یعنی دانش گنجینه است و سؤال کلید آن.

تفکر صحیح و معیارهای آن از نظر قرآن

هیچ تردیدی نداریم که حیات انسانی، حیاتی است فکری. هر قدر فکر صحیح‌تر و کامل‌تر باشد، قهرماً زندگی انسانی استوارتر خواهد بود. پس زندگی استوار، ارتباط کامل با فکر استوار دارد. خدای تعالی هم در کتاب عزیزش به طرق گوناگون و اسلوب‌های متنوع به این حقیقت اشاره کرده

● «او من کان میتا فاحییناه و جعلنا نورا یمشی به فی الناس کمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها».

● «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون» (زمر ۸۸)

● «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات».

● «فیشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه، اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم و اولوالالباب» (زمر ۱۷)

و آیات بسیار دیگری از این قبیل که نیازی به بیان همهی آن‌ها نیست.

علاوه بر این، قرآن کریم بیان کرده است که فکر صحیح و طریقه‌ی درست تفکر، انسان را به چه چیزهایی هدایت می‌کند. از آن جمله فرموده است: «ان هذا القرآن یرزق اللتی هی اقوم» (اسراء ۹۱) یعنی این کتاب به طریقه‌ای هدایت می‌کند که استوارتر از آن طریقی نیست؛ طریقه‌ای است که به حکم آیات الهی زیر یک‌سره نور و صراط مستقیم است.

شده است. بدین معنا که انسان با ورود در گلستان ولایت الهی، برایش دری به ملکوت آسمان‌ها و زمین باز می‌شود که آیات بزرگ الهی را که بر دیگران مخفی است، از آن در مشاهده می‌کند. امام صادق (ع) فرمود: «اگر نه این بود که شیطان‌ها، اطراف دلی بنی آدم گردش می‌کنند، حتماً ملکوت آسمان‌ها و زمین را می‌دیدند» [المیزان، ج ۱۰: ۱۰۸؛ ذیل آیه ۹-۱۵].

راهزن‌های تفکر

این ندا، ندای آسمانی است از کتاب منزل، برای صاحبان خرد و اندیشه که: «واتقون یا اولوالالباب.» [بقره / ۱۹۷]. شاید مهم‌ترین پیام این آیه آن است که: طریق صحیح تفکر و تعقل همانا از مسیر تقواست. اما با توجه به توضیحاتی که گذشت و آیه‌ای که در خدمت آن هستیم، و نیز برای شفافیت موضوع - دام‌ها و راهزن‌های تفکر - این سؤال را مطرح می‌کنیم که: «چرا طریق صحیح تفکر و تعقل از مسیر تقواست؟»

چنان که گذشت، قرآن در آیه ۸ سوره‌ی حج برای رسیدن به معرفت چهارراه، حس، عقل، قلب و وحی را معرفی فرموده است. «یعنی راه رسیدن به معرفت و حقیقت هم در درون انسان است و هم در بیرون از او. راه درونی حصولی عقل و حضوری قلب است و راه بیرونی، راه وحی می‌باشد که مخصوص معصوم است و تنها دو گروه هستند که در پیمودن طریق درون و فهم طریق بیرون بی‌خطا هستند و آن‌ها انبیا و معصومین (ع) می‌باشند» [معرفت‌شناسی: ۳۲۶].

عقل نیز در صورت داشتن روش‌ها و راهکارهای صحیح، اگر به درستی پرورش یابد می‌تواند انسان را به کمال برساند.

و خوب پرورش عقل و یافتن مهارت و روش مناسب برای آن در این سخن حضرت علی (ع) کاملاً خود را نشان می‌دهد: «هدف بعثت آشکار ساختن و به فعل رساندن عقول آدمیان است که هم‌چون درّ مکنون در زیر خاک‌های جهل و بی‌خبری مدفون است. اما با داشتن این همه ظرفیت، در بسیاری از مواقع کشش‌ها و هواهای درون و بیرون، چنان توازن نهادی آن را به هم می‌زنند که هم در حیطه‌ی نظر و هم در میدان عمل، گرفتار خطا و گمراهی و مستوجب عدم تشخیص صواب و حق می‌شود؛ طوری که اندیشه‌های باطل را استوار، و اعمال شنیع را

نیک می‌پندارد (زین له سوء عمله فرآه حسنا - فاطر / ۸) به همین سبب خداوند هم گروهی از انسان‌ها را که حجت بیرونی دارند، برای هدایت عقل که حجت درونی است، مأموریت می‌دهد تا در تربیت و تکمیل آن، زمینه‌های قرب الهی را فراهم سازند.

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌نویسند: «دستگاه‌های درونی از چند طرف باهم درگیرند. از یک طرف، قوه‌ی واهمه و عاقله باهم درگیرند و از طرف دیگر، قوه‌ی خیال با قوه‌ی عاقله. پیدایش مغالطات نیز بر اثر دخالت قوه‌ی وهمی و خیالی در کارهای عقلی است، وقتی عقل بخواهد استدلال کند، اگر قوه‌ی وهم یا خیال دخالت بی‌جا داشته باشند، قهراً مغالطه رخ می‌دهد. عقل نظری در بخش‌های ادراکی به خیال و وهم حکم می‌کند که از مرزشان نگذرند. می‌گوید شما دستیاران عقل هستید و باید مقدمات حکم را فراهم کنید، ولی در داوری عقل دخالت نکنید. و عقل عملی در بخش‌های تحریکی به خواسته‌های نفسانی می‌گوید: شما پیشنه‌ها و گزارش بدهید، اما در قلمرو عقل عملی دخالت نکنید [مراحل اخلاق در قرآن: ۴۰۵].»

می‌توان فرایند تفکر را
تکوین مفهوم، درک و
فهم اصول، حل مسئله و
تصمیم‌گیری تلقی کرد.
یا آن را شامل تعدادی از
فعالیت‌های ذهنی دانست
که خود این فعالیت‌ها شامل
سطوح وسیعی از مهارت‌ها و
راهبردها هستند

در مجموع، دام‌های بر سر راه عقل و تفکر که موجب از بین رفتن قدرت تشخیص و در نتیجه سقوط انسانیت آدمی به آن وادی می‌شود که قرآن از حیوانیت هم سافل‌تر می‌داند، در یک نگاه عبارت‌اند از:

۱. هوای نفس (الهیوی عدو عقل، آفه العقل الهوی)؛
۲. من اتباع هواه واصمه و اذله واصله؛ من ركب الهوی ادرك العمی؛
۴. شدت عاطفه (حب و بغض)؛
۵. «حس‌گرایی، تقلید، اعتماد به ظن و گرایش‌های معارض، شامل لذات آنی، آینده‌نگری افراطی و مادی، دشمنی با خدا و پیامبر(ص)» [اخلاق در قرآن، ج ۲: ۱۱۸]؛
۶. «سنت‌گرایی منفی، شخصیت‌گرایی، تبعیت از گمان، گرایش به اکثریت، غضب ناروا، شتاب‌زدگی، دل‌بستگی‌های نامعقول، خشم و کینه» [اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه]؛
۷. عدم‌ارزیابی کفایت‌دله، حب و بغض.

البته ذکر این نکته نیز ضروری است که گرچه قرآن کریم و روایات معصومین(ع)، «تقوا» را شرط رسیدن به علم و معرفت معتبر اعلام فرموده‌اند و آیات ذکر شده هم، مؤید این نظر هستند، اما «چنین هم نیست که کتاب و سنت، تقوا - تقوای توأم با تذکر - را طریق مستقلی برای رسیدن به حقایق قرار داده باشند؛ طریق جدا از طریق عقل فطری که انسان در همه‌ی شئون زندگی‌اش با آن سروکار دارد و نمی‌تواند سروکار نداشته باشد. چون اگر چنین بود، همه‌ی استدلال‌هایی که خود قرآن کریم علیه کفار و مشرکین، و اهل فسق و فجور آورده است که پیرو حق نیستند و بویی از تقوا و تذکر نیز نبرده‌اند، لغو بیهوده بود (العیاذ بالله). منظور اسلام از دعوت به تقوا این است که نفس بشر را از گم‌کردن راه فطرت و در نتیجه، از دست دادن درک فطری بازدارد، و او را به راه فطرت برگرداند [المیزان، ج ۵: ۴۳۷، ذیل آیات ۱۹-۱۵ سوره‌ی مائده].

پس در مجموع به این مطلب رسیدیم که: طبق داوری قرآن، شکوفایی اندیشه و راه‌یابی آن به مقصود، در گرو آن است که عوامل منحرف‌سازنده‌ی آن، تحت کنترل باشند.

در این صورت، یعنی وقتی این مصونیت پیدا شد، در پرتو آن علم و معرفت جدید حاصل می‌شود که مزکی است و موجب پرورش و تقویت عقل می‌شود. به عبارت دیگر، علوم نافع برای کسی حاصل نمی‌شود، مگر آن که خلق و خوی خود را اصلاح و فضایل ارزشمند انسانی را کسب کرده باشد، و این همان تقواست. این علم نافع هم وقتی نافع است که توأم با عمل باشد؛ زیرا هیچ خیری در علمی که عمل با آن نباشد، نیست. حاصل این کلام این است که: اعمال صالح، خلق و خوی پسندیده را در انسان حفظ می‌کند و اخلاق پسندیده، معارف حقه و علوم نافع را سبب می‌شود. همه‌ی این‌ها در گرو تفکر صحیح و استواری است که قرآن هدایت‌گر آن است.

پی‌نوشت

۱. مثل پژوهشگر زمین‌شناسی که وقتی لایه‌های زمین را مطالعه می‌کند، هدفش این

دعوت به تفکر در آموزه‌های دینی‌مان که هم در آیات و هم در روایات معصومین(ع) با تأکید انجام گرفته، هر نوع تفکری نیست، بلکه این دعوت ناظر بر تفکر خاصی است که هر جهت مشخص، هم عرصه‌ی معین، و هم موضوع مشخصی دارد

است که ببیند که فلان خاک در چند قرن پیش در چه حالت بوده و اکنون در چه وضعی است و در چند قرن بعد به چه صورتی درمی آید.

۲. در این نوع مشاهده، ذهن با جست و جوی یک یا چند بیان روشن از موضوع از طریق کسب اطلاعات جامع و معتبر، به تحلیل موضوع می پردازد و ضمن برخورد منظم با هر یک از شقوق مختلف تحلیل شده، به جست و جوی سؤال و دلایلی برای تأمین جواب مبادرت می کند. داوری و ارزیابی منصفانه همراه با علم و ارتباط دادن معرفت‌های جدید به دست آمده به موقعیت‌های جدید، گام‌های بعدی هستند که او را به نتیجه می‌رسانند (انعام/۷۹-۷۴).

۳. اللهم لا تخرجنی من التقصیر [اصول کافی، ج ۴: ۳۷].

۴. منظور از عمل در این جا

فقط عمل خارجی نیست،

بلکه عمل باطنی و قلبی

را هم شامل می‌شود.

۵. لن یزکو العمل

حتی یقارنه علم.

۶. ما من حرکه الا و انت محتاج فیها الی معرفه.

۷. العم بلا عمل ضلال.

۸. فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه.

۹. در بخش تفکر و آموزش به این معیار پرداخته شده است.

۱۰. اولاً مطالب علمی مبتکران را به خود نسبت ندهد، ثانیاً

در نقل آرای صاحب‌نظران امین باشد، ثالثاً تا چیزی برای او

حل نشده است، به تصدیق یا تکذیب آن مبادرت نکند، رابعاً

قبل از هضم مطلب، آن را برای دیگران بیان نکند، خامساً

در مناظره اگر چیزی برای او حل شده، آن را می‌پذیرد و

به صحت آن اعتراف کند و در قبال رقیب جدل نکند و از

هر گونه مغالطه بپرهیزد. در این صورت در مسائل علمی دچار

مشکل نمی‌شود [معرفت‌شناسی: ۲۶۸].

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج‌البلاغه
۳. اصول کافی، ج ۴
۴. المعجم المفهرس لكشف الايات القرآن
۵. قاموس قرآن
۶. تحف‌العقول
۷. مطهری، مرتضی. فرهنگ مطهر.
۸. مجموعه‌ی آثار.
۹. تعلیم و تربیت اسلامی.
۱۰. علامه جعفری. ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه.
۱۱. باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی.
۱۲. فرهنگ صبا
۱۳. فرهنگ بزرگ سخن
۱۴. دهخدا. فرهنگ فارسی معلم.
۱۵. عمید. فرهنگ معاصر فارسی.
۱۶. بهشتی، سعید. آیین خردپروری.
۱۷. محمدی ری‌شهری. حکمت و علم در قرآن و حدیث.
۱۸. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. اهداف تربیت از دیدگاه اسلام.
۱۹. مصباح. اخلاق در قرآن (۲).
۲۰. آیت‌الله آملی. مراحل اخلاق در قرآن.
۲۱. ملکی، حسن. برنامه‌ی درسی و پرورش تفکر.
۲۲. خوانساری. منطق صوری
۲۳. آیت‌الله آملی. معرفت‌شناسی.
۲۴. حسین‌زاده. معرفت‌شناسی و مبانی معرفت دینی.

هرچه سؤال‌ها بیشتر برخاسته از نیازهای روحی، روانی و جسمی مخاطب (نیاز فطری) باشند، و هرچه نتیجه، در زندگی مخاطب ثمربخش‌تر باشد (کاربردی باشد)، پی‌گیری سؤال جدی‌تر و پویایی ذهن برای رسیدن به مطلوب بیشتر خواهد شد